



جستار: چالش های بازارهای پولی و صندوق های قرض الحسنه

پدیدآورنده (ها) : دوانی، غلامحسین

اقتصاد :: نشریه بورس :: اسفند ۱۳۸۲ - شماره ۴۰

صفحات : از ۴۴ تا ۴۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/859412>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تشکیلات و عملکرد صندوق های قرض الحسنه و جایگاه آنها در سیستم پولی و بانکی کشور
- تأثیر مصوبه صندوق های قرض الحسنه در سیاست های پولی و اعتباری
- صندوق های قرض الحسنه؛ ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار کشور
- اظهارنظر کارشناسی درباره: "لایحه اصلاح ماده ۱۴ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران" (نحوه نظارت بر صندوق های قرض الحسنه تک شعبه ای)
- ساختار صندوق های قرض الحسنه در ایران و الگوی مبتنی بر اتحادیه های اعتباری
- گونه شناسی صندوق های قرض الحسنه و توانمندی زنان: مدل سنتی اعتبارات خرد در ایران
- گزارش کارشناسی درباره لایحه: بخشودگی کلیه مطالبات دولت موضوع لایحه قانونی راجع به اعطای سی میلیارد ریال وام بدون بهره به صندوق های قرض الحسنه جهت توسعه فعالیت های کشاورزی و صنعتی و خدماتی (مصوب ۱۳۵۸) شورای انقلاب و اصلاحیه بعدی آن (مصوب ۱۳۵۹)
- خلاصه مقالات چهاردهمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی: چالش ها و الزامات فراروی بازارهای پول و سرمایه در اقتصاد ایران
- شرکت های مضاربه ای و صندوق های قرض الحسنه (یک بررسی مردم شناختی)
- همایش سازمان اقتصاد اسلامی و صندوق های قرض الحسنه کشور برگزار شد: با موضوع تعامل صندوق های قرض الحسنه و دولت

صندوق ها نام برد در این مقاله فقط به ذکر ایسن نکته کفایت می شود که فعالیت بخش های وسیعی از این صندوق ها جای تردید و ابهام دارد.

در مورد صندوق های قرض الحسنه در سال ۱۳۶۹ یا ۱۳۷۰ آیین نامه ای در شورای پول و اعتبار تصویب شد. تفاوت ماهیت صندوق های قرض الحسنه با ماهیت یک مؤسسه مالی و اعتباری این است که یک صندوق قرض الحسنه صرفاً باید به قرارداد حسنه پردازد و کار بانکی نکند. به تعبیر اقتصادی نباید خلق پول کند و خصیصه اصلی محک سنجش یک صندوق قرض الحسنه این است که خلق پول نمی کند و به عملیاتی که بر حجم نقدینگی می افزاید، مبادرت نمی ورزد. یکی از ویژگی های مؤسسات مالی و اعتباری و بانک ها این است که خلق پول می کند (که البته این یک موضوع طبیعی و مشخص است و نیاز به توضیح ندارد). مثلاً وقتی فردی به بانکی مراجعه می کند و یکصد تومان سپرده می گذارد، بانک این سپرده را ۲۵ درصد کم می کند و ۷۵ درصد در صد بقیه را به یک نفر دیگر وام می دهد. فرد وام گیرنده در آن لحظه ۷۵ تومان قدرت خرید پیدا می کند و بدین ترتیب نقدینگی ایجاد می شود. قدرت خرید آن فرد سپرده گذار در بانک هم حفظ می شود، چون او می تواند هر لحظه به بانک مراجعه بکند و ۱۰۰ تومانش را بگیرد، ولو این که سپرده مدت دار باشد. در این زمان این ۱۰۰ تومان تبدیل به ۱۷۵ تومان نقدینگی می شود. در فاز بعدی، وام گیرنده با این ۷۵ تومان یک حساب و سپرده گذاری باز می کند که می تواند از این حساب نقل و انتقال بانکی انجام بدهد. این عمل سپرده جدیدی ایجاد می کند که ۷۰ تا ۸۰ درصدش می تواند محل دادن اعتبار جدید باشد، این سازوکار یک کار بانکی است. نکته اصلی در صندوق های قرض الحسنه این است که اگر سپرده گذار به وام گیرنده پول قرض دهد، تا قبل از ضرب الاجلی که توافق می شود، پول به سپرده گذار پس داده نمی شود، در نتیجه سپرده گذار دیگر قدرت خرید آن پول را ندارد. مثلاً چنانچه از شخصی یک میلیون

چالش های بازارهای پولی



صندوق های قرض الحسنه

غلامحسین دوانی

صندوق ها - بانک مرکزی. بررسی مراحل فوق نشان می دهد که فرآیند قانون ثبت و فعالیت صندوق ها دارای نارسایی های فراوان است که موجبات آسیب جدی به کشور را فراهم ساخته است. به طور مشخص آبا و احوال وزارت کشور مرجع صالحی برای تأیید اساسنامه و نظارت بر عملکرد صندوق های قرض الحسنه است که برخی از آن ها از بانک های خصوصی هم قدرتمندترند؟ و یا آیا نیروی انتظامی دارای ظرفیت کارشناسی برای صدور پروانه فعالیت این گونه صندوق ها به شمار می رود؟ ظاهراً همین نارسایی ها و خلل بزرگ از چشم عده ای پنهان نمانده به طوریکه آمار ثبت صندوق های قرض الحسنه در بعد از انقلاب نسبت به قبل از انقلاب تفاوت های بسیار بالایی را نشان می دهد. برخی افراد که ناتوان از انجام دخل و خرج شخصی خود هستند با بهره برداری از این نارسایی قانونی، خود را متولی سپرده های مردم دانسته، با ثبت و فعالیت پولی و مالی، خود را وارد مناسبات بانکی نیز کرده اند. از آنجا که نگارنده قصد ندارد از این گونه

موضوع اصولی وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی مبنی بر قانونمند شدن فعالیت صندوق های قرض الحسنه واکنش برخی را برانگیخته است. فارغ از افرادی که مشخص بوده در راستای مأموریت دفاع از این صندوق ها وارد میدان مقاله نویسی شده بودند، چند نکته اساسی در این میان جای بحث و جدل دارد. اساساً فعالیت در حوزه پولی و بانکی که می تواند موجبات ناامنی سرمایه گذاری در هر کشوری را فراهم سازد در تمام جهان زیر نظارت ویژه نهادهای مالی - پولی صورت می گیرد. نگاهی به فرآیند ثبت و فعالیت صندوق های قرض الحسنه نشان می دهد که در تأسیس و راه اندازی هر صندوق قرض الحسنه باید چهار مرحله ذیل طی شود:

- ۱- تأیید اساسنامه و نظارت بر عملکرد - وزارت کشور؛
- ۲- صدور مجوز ثبت یا پروانه فعالیت - نیروی انتظامی - اداره اماکن عمومی؛
- ۳- ثبت اساسنامه و تشکیل صندوق - اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری؛
- ۴- نظارت تخصصی بر عملکرد





برای منافع سپرده گذاران هم خطرناک می شوند. چون کارکردهای سپرده قانونی کنترل نقدینگی و حفظ منافع سپرده گذاران است. وقتی بدون سپرده قانونی وام داده می شود، اتفاق های خطرناکی می افتد که نمونه هایش در گذشته در مورد شرکت مضاربه ای سحر و الیکا و در چند سال گذشته هم در تعداد قابل ملاحظه ای از این صندوق های به اصطلاح "قرض الحسنه" اتفاق افتاده است.

واقعیت آن است که حرکت اولیه صندوق های قرض الحسنه را "سازمان اقتصاد اسلامی" شروع کرد که در سال ۱۳۵۸ کوشش کرد نخستین بانک اسلامی را تأسیس کند ولی به علت مخالف مراجع قانونی در قالب صندوقهای قرض الحسنه و به نام "سازمان اقتصاد اسلامی" شروع به کار کرد. در واقع مشکل اساسی صندوق های قرض الحسنه مربوط به بزرگترین ها و به خصوص صندوق هایی است که عملاً وارد مناسبات پولی شده اند! بانک مرکزی، طبق رسالت خود، از سال ۱۳۶۳ مسأله صندوق های قرض الحسنه را به عنوان مؤسساتی که باید تحت نظارت باشند، تلقی و آیین نامه ای را هم برای آن ها تدوین کرده است و مصوبه ای هم در این مورد از طرف دولت صادر شد. بر اساس این مصوبه، بانک مرکزی به

صندوق های قرض الحسنه است. مؤسسه ای که ادعا می کند قرض الحسنه است، باید در واقعیت نیز قرض الحسنه باشد و نباید کار اعتباری کند، سپرده بگیرد و وام جدول زمانی بدهد، یا از نوع کارهایی که در مشهد، کرمان و ... اتفاق افتاد، انجام دهد. چنین صندوق هایی هم به سپرده گذاران و هم به نظام اقتصادی مملکت لطمه می زنند. آسیب این صندوق ها به نظام اقتصادی به این صورت است که قدرت خلق پول چنین صندوق هایی که کار اعتباری می کنند و سپرده قانونی را نمی دهند، بسی نهایت می شود. سپرده قانونی هر مقدار کم شود، قدرت خلق پول سیستم اعتباری به صورت تصاعدی بالا می رود، به نحوی که شما وقتی سپرده قانونی را صفر کنید، قدرت خلق پول سیستم اعتباری بی نهایت می شود. معنای این سخن در مورد مؤسسات مالی و اعتباری که تحت ضابطه نظام پولی کشور کار نمی کنند، آن است که آن ها فعالیت بانکی با سپرده قانونی صفر درصد انجام می دهند؛ یعنی در قبال ۱۰۰ تومان سپرده گذاری، آن ها ۱۰۰ تومان وام می دهند و نقدینگی را که یکی از بلاهای طبیعی ماست، بدون کنترل دولتی بالا می برند. از طرفی چون سپرده قانونی ندارند،

تومان قرض بگیریم، قرض دهنده تا زمانی که قرض گیرنده پول را پس ندهد نمی تواند از این یک میلیون استفاده کند. اگر این کار به صورت سازمانی انجام شود و مؤسسه ای تحت عنوان "صندوق قرض الحسنه" پول شخص قرض دهنده را به حساب بگذارد و از آن پول به قرض گیرنده وام دهد سپرده گذار تا هنگام بازپرداخت قسط ها حق ندارد پول خود را مطالبه کند. این محک سنجش یک صندوق قرض الحسنه است. هر کاری غیر از این مثل آن است که شخص سپرده گذار خودش بتواند در مدتی که قرض الحسنه اعتبار می دهد از آن پول استفاده کند، یا حتی اگر دادن قرض الحسنه منوط به شروطی در گرفتن سپرده باشد، از نوع جداولی است که برخی صندوق های قرض الحسنه تنظیم کرده اند، یک کار اعتباری است که فعالیت بانکی محسوب و از حیطة وظایف قرض الحسنه خارج است.

صندوق های قرض الحسنه از طریق تنظیم جدول زمانی وام پرداخت می کنند یعنی در واقع کار اعتباری انجام می دهند. هم اکنون این مسأله را به طور مرتب در قالب آگهی های مختلفی در روزنامه ها می بینیم و این کاری است که دارد اتفاق می افتد که این کار خارج از وظایف

همراه وزارت کشور و نیروی انتظامی می باید بر کار صندوق های قرض الحسنه نظارت کنند. آیین نامه ای هم تدوین شد که بر اساس آن صندوق ها فقط قرض الحسنه بگیرند و قرض الحسنه هم بدهند. طبق آیین نامه مذکور نظارت بانک مرکزی باید اعمال شود. ضمناً صندوق ها می باید اساسنامه شان را با اساسنامه نمونه یا تیبی که بانک مرکزی ارائه کرده بود، تطبیق دهند. متأسفانه این مصوبه در سال ۱۳۷۰ لغو شد. از آن زمان به بعد، صدور مجوز را فقط وزارت کشور و نیروی انتظامی انجام می دهد و همین باعث رشد سقارچ گونه این گونه صندوق ها شد. به طوری که گفته می شود حدود ۶۵۰۰ صندوق قرض الحسنه در نیروی انتظامی به ثبت رسیده اند و تعداد زیادی صندوق هم وجود دارند که در نـاـجا به ثبت نرسیده اند. اگر چه به علت فقدان شفافیت کلیه صندوق های قرض الحسنه دستیابی به آمار و ارقام و معاملات آن ها در حال حاضر امکان پذیر نمی باشد اما بر اساس یک گزارش تحقیقی از ۱۲۲۹ صندوق قرض الحسنه فعال در سطح کشور، حجم سپرده های آن ها ۲۱۱۰ میلیارد ریال و وام اعطایی آن ها معادل ۱۵۷۳ میلیارد ریال برآورده شده است. این ارقام در مقایسه با حجم سپرده ها و تسهیلات اعطایی نظام بانکی کشور به ترتیب ۰/۹۴ درصد و ۰/۸۹ درصد می باشد و اگر نسبت صندوق های موجود که طبق گزارش نیروی انتظامی ۶۰۰۰ صندوق است را به صندوق های مورد بررسی مرکز آمار یعنی ۱۲۲۹ بدست آوریم، رقمی در حدود ۵ برابر خواهد بود و اگر آن رقم را با تسامح در میزان سپرده ها و وام های اعطایی ضرب کنیم می توان سهم سپرده صندوق های قرض الحسنه از کل سپرده های بخش غیردولتی را بین ۰/۹۴ تا ۴/۷ درصد و سهم تسهیلات قرض الحسنه اعطایی به کل تسهیلات اعطایی از سوی بانک ها به بخش غیر دولتی را ۰/۸۹ تا ۴/۴۵ درصد برآورد کرد. طبق همین برآورد، سهم سپرده های صندوق ها از سپرده های قرض الحسنه پس انداز بانک ها حدود ۹/۵۸ درصد و

نسبت تسهیلات اعطایی آن ها به تسهیلات قرض الحسنه بانک ها در حدود ۲۰/۹۶ درصد می باشد و در همان سال، نسبت سپرده های این صندوق ها به حجم نقدینگی بین ۰/۸۵ تا ۲۵/۴ درصد بوده است.

به نظر می رسد برای پیدا کردن راهکار، چند اقدام باید صورت گیرد. اول این که هیأت وزیران مصوبه سال ۱۳۶۳ را که در سال ۱۳۷۰ لغو کرده (به استناد این که در شرایط فعلی صندوق های قرض الحسنه وضعیت دیگری دارند) دوباره احیا کند و دوم این که مصوبه سال ۱۳۶۹ شورای پول و اعتبار را نافذ دانسته و به آن عمل کنیم.

شورای پول و اعتبار برای نظام پولی و بانکی، نهاد رسمی و قانونی معین شده ای است؛ در خصوص صندوق های قرض الحسنه مصوبه دارد و در آن جا تمام مسئولیت ها مشخص شده است، یعنی وظیفه ناجا، وظیفه ثبت شرکت ها و نقش بانک مرکزی بسیار دقیق تعیین شده است.

در مصوبه شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی ملزم به تشخیص فعالیت بانکی از غیربانکی و سالم بودن یا سالم نبودن صندوق شده است. استناد به گزارش بانک مرکزی نباید مبنای عمل نیروی انتظامی باشد، کما این که در بقیه صنوف این اتفاق می افتد؛ برای مثال سازمان دامپزشکی موظف است بر قصابی ها نظارت کند. وقتی که این سازمان اعلام کرد که فلان قصاب گوشت ناسالم توزیع می کند، ناجا باید به استناد گزارش دامپزشکی عمل کند. حال اگر بعد از این مرحله، طرفین به دادگاه بروند، سازمان دامپزشکی باید اثبات کند که این گوشت آلوده بوده؛ اگر کار به دادگاه کشیده نشد، موضوع متفی است و جلوی فعالیت واحد صنفی مورد نظر گرفته می شود. لذا در این شرایط یا باید مصوبه هیأت وزیران در سال ۱۳۶۳ را احیا کرد، یا بانک مرکزی، ناجا، وزارت امور اقتصادی و دارایی و شورای پول و اعتبار تأکید بر این داشته باشند که مصوبه شورای پول و اعتبار باید مبنای عمل قرار گیرد و ناجا موظف به عمل و بانک مرکزی موظف به

ارزیابی باشد. در آن جا باید مشخص شود اگر صندوق قرض الحسنه ای وارد فعالیت های پولی و بانکی شد، دیگر صندوق قرض الحسنه نیست. تشخیص این امر به عهده بانک مرکزی است و لذا بانک مرکزی خود به خود مجوز دارد که هر صندوقی را بازرسی کند، چنین نیست که صندوقی بگوید من بانک مرکزی را نمی پذیرم. بانک مرکزی این مجوز را به استناد شورای پول و اعتبار که هر صندوقی را بازرسی کند و اسناد آن را بخواهد و ببیند و برای این امر صندوقها ملزم شوند بازرسان و حسابرسان خود را از حسابرسان ذیصلاح کشور "جامعه حسابداران رسمی ایران" انتخاب کنند نه این که هر کسی خود را بازرس بداند! اگر این حسابرسی نشان داد که طبق مصوبه و قوانین موضوعه، صندوق کار قرض الحسنه می کند، مشکلی نیست ولی در غیر این صورت می تواند سازو کارهای دیگری را تعریف کند که این صندوق کماکان به طور خودکار کنترل شود و از حوزه خود خارج نشود. اگر هم خواست از حوزه اش خارج شود، در آن صورت، یک مؤسسه مالی و اعتباری خواهد شد. لذا باید وارد حوزه دیگری شود. واقعیت آن است که به علت ساختار نادرست اقتصاد کشور افراد یا نهادها و مؤسساتی که در اساسنامه آن ها مأموریت حاکمیتی وجود دارد با ورود در این موضوع عملاً آسیب پذیری اقتصاد کشور را به نفع منافع زودگذر و موقت خود، بیشتر کرده اند. عمده ترین نارسایی های برخی از این صندوق ها که شناسایی شده اند عبارتند از:

۱- سوء استفاده از منابع سپرده گذاران و ورود به معاملات مشکوک اقتصادی.

۲- افتتاح حساب های غیرپس انداز قرض الحسنه.

۳- عدم رعایت سقف تسهیلات و عدم رعایت سقف تسهیلات برای افراد خاص به طور مشخص در بازرسی بانک مرکزی از یکی از صندوق های قرض الحسنه مشخص شده مدیرعامل ۱۴ نوع وام به خود اختصاص داده و در آخرین مرحله نیز دویست میلیون تومان

قرض الحسنه ازدواج برداشت نموده! به نظر می رسد این جناب مدیرعامل مهریه همسر خود را نقداً پرداخت کرده تا مشکل بعدی برای ایشان فراهم نگردد!

۴- اعطای تسهیلات غیرقرض الحسنه که دقیقاً مشابه معاملات ربوی می باشد.

۵- اخذ کارمزد بیش از هزینه واقعی پول.

۶- اعطای قرض الحسنه با شرط مسدود کردن سپرده.

به نظر می رسد در چارچوب قانونمندی مناسبات اقتصادی هیچ راهکاری مگر برخورد قانونی با این صندوق ها و تقسیم بندی آن ها به مؤسسات فاقد شرایط و مؤسساتی که باید تحت نظارت بانک مرکزی به فعالیت ادامه دهند وجود ندارد. که هر عقل سالم نمی تواند آسیب های جدی که بسیاری از این مؤسسات به وجود آورده اند نادیده بگیرد. نگاهی به آمار کلاهبرداری ها و ... نشان می دهد که دولت در راستای اعمال حاکمیت و دفاع از حقوق مردم باید حتماً و لزوماً راهکارهای نظارتی بر این صندوق ها را بررسی و ضابطه کنترل و نظارت از همان آغاز تأسیس را در فرآیند ثبت و فعالیت آن ها عملی نماید. اگر قرار باشد هر شرکت با سرمایه یک میلیون ریال تمهید ساخت و ساز انبوه بر روی کاغذ و پیش فروش واحدهای وجود نداشته به مردم را انجام دهد، اگر قرار باشد هر چند نفری حتی با نیت خیر با سرمایه ای قلیل فعالیت در مناسبات پولی و بانکی را شروع و به علت نادانی و ... منابع پولی سپرده گذاران را به باد فنا دهند و یا عملاً وجوه مردم را در فعالیت های ربوایی مصروف نمایند و اگر ... پس دیگر اعمال حاکمیت دولت چه مفهومی دارد؟! چگونه است که برای تشکیل یک مرکز آموزشی

غیرانتفاعی دهها مجوز و عدم سوءپیشینه و ... لازم است اما برای تشکیل یک مؤسسه پولی و مالی صرفاً نیت افراد معیار باشد؟

در یک جامعه متعادل اقتصادی، رشد قارچ گونه این مؤسسات جای بسی تردید خواهد داشت اما در یک اقتصاد بحران زده که نهادهای نظارتی آن آسیب پذیر شده اند بیش از این نمی توان انتظار داشت در حالی که برخی از این صندوق ها از بانک های خصوصی بزرگتر و فاقد ارکان نظارتی بانک مرکزی و فاقد حسابرسی و بازرس واجد شرایط قانونی هستند و بحث کفایت سرمایه و ضابطه مندی مالی هم ندارند چگونه بانک مرکزی روزانه و هفتگی بخشنامه های عریض و طویل برای بانک های دولتی و خصوصی صادر می کند؟ مگر این مؤسسات که در این مناسبات پولی فعالیت دارند تاقتاً جدا یافته هستند که خود را از دایره شمول نظارت خارج می بینند و یا شاید این مؤسسات همان "تاریکخانه های معروف اقتصادی" هستند آنچه تعجب پیشتر مردم را برانگیخته نوشتار برخی روزنامه های اقتصادی که بیشتر جنبه آگهی دارد در دفاع از مناسبات مشکوک این مؤسسات است که شأن و منزلت رسانه های اقتصادی را نیز مورد تردید قرار می دهد.

جدول شماره (۱) تعداد شعب برخی صندوق های قرض الحسنه معروف کشور را نشان می دهد که در مقایسه با شعب کلیه بانک های خصوصی کشور نشان دهنده آن است که این صندوق ها عملاً بیش از بانک های خصوصی گسترش یافته و حجم انبوهی از معاملات پولی کشور توسط آن ها انجام می شود. جالب آن که حتی برخی ادارات دولتی، حساب دولتی خود را در یکی از این صندوق ها مفتوح

جدول شماره (۱)

ردیف	نام صندوق قرض الحسنه	تعداد شعب
۱	سازمان اقتصاد اسلامی	۴
۲	صندوق قرض الحسنه بسیجیان	۴۶۳
۳	صندوق قرض الحسنه قوامین	۱۰۰
۴	صندوق قرض الحسنه علی ابن ابی طالب	۵۹

نموده اند که امری کاملاً خلاف مقررات خزانه می باشد. با این اوصاف عزم جدی مسئولان اقتصادی و بانک مرکزی باید آنچنان باشد که نخست دولتی ها و نظامی ها و انتظامی ها را از ورود به این صندوق ها ممنوع سازند زیرا در غیر این صورت نهادهای مالی و پولی کشور نمی توانند وظایف قانونی خود را انجام دهند.

در پاسخ به کسانی که معتقدند به علت نارسایی و ضعف سیستم بانکی کشور عملاً مردم به راهکارهای عملی مناسب نظیر صندوق های قرض الحسنه روی آورده اند باید گفت اگر این استدلال را برای همه موارد بپذیریم خشت روی خشت بند نمی شود چون مردم ممکن است جهت هر کاری به راهکارهای خودساخته روی آورند که پذیرفتنی باشد. به هر حال بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز باید ضوابط و مقررات خاصی را جهت ادامه فعالیت همه صندوق های قرض الحسنه چه آن ها که به صورت مؤسسات اعتباری و شرکت های خاص و چه آن ها که مربوط به نیروهای انتظامی و نظامی هستند تدوین نمایند که در این میان نکات ذیل قابل اهمیت می باشد:

۱- مدیران صندوق های قرض الحسنه باید دارای تحصیلات آکادمیک و سابقه فعالیت در بازار پول و سرمایه باشند.

۲- اساسنامه صندوق های قرض الحسنه بازنگری و بخشی از مقررات مؤسسات مالی - اعتباری مجاز، نسبت کفایت سرمایه و برخی نسبت های ضروری دیگر متناسب با این گونه مؤسسات در آن ها درج گردد.

۳- این گونه صندوق ها موظف می باشند صورت های مالی خود را طبق استانداردهای حسابداری و بر اساس قانون و مقررات بانکی تهیه و توسط حسابداران رسمی اعضای جامعه حسابداران رسمی حسابرسی شوند.

۴- گزینه های فعالیت این صندوق ها به طور مشخص در اساسنامه آن ها و قانون و مقررات ذکر شود.

